

دزدیده شدن کشاورز در منطقه مَرَدَه

چهارشنبه، ۱۹ نوامبر ۲۰۰۳

امروز هم یک روز طولانی دیگر بود. ما صبح زود شروع به چیدن زیتونها کردیم و سپس از طریق یک تماس متوجه شدیم که از دسترسی یک کشاورز فلسطینی بنام اسماعیل به زمینهایش از مسیر شهرک اریئیل جلوگیری بعمل آمده است. شهرک اریئیل در حال توسعه بوده و در حال حاضر در حدود ۲۰۰۰۰ اسرائیلی در آن زندگی میکنند. کشاورزان بسیاری مانند اسماعیل بخاطر این شهرکها از زمینهایشان جدا افتاده‌اند. اسماعیل ۵۰۰ درخت پر از زیتون دارد که در صورتی که تا یکی دو هفته دیگر چیده نشوند از بین میروند. به او گفته شده بود که یا اصلاً نباید برود و یا اینکه می‌بایست مقصدی را که از خانه‌اش فقط ۱۰ دقیقه فاصله دارد را در طی ۲ ساعت با دور زدن شهرک و بالارفتن از چندین تپه ببیماید. اسماعیل مجوز عبور از اریئیل برای رسیدن به زمینهایش را دارد و قبلاً بارها به همین طریق از ایست بازرسی عبور کرده است ولی این روزها این مجوز دیگر کافی نیست.

امروز صبح، هنگامیکه اسماعیل سوار بر گاری‌اش به سمت دروازه شهرک حرکت میکرده، تعدادی شهرک‌نشین به او متلک انداخته و میگویند: "تو گاری‌ات رو به بیت‌المقدس هم میبری؟". شهرک‌نشینان بخوبی میدانند که اسماعیل، مانند تمام فلسطینیان ساکن کرانه‌باختری، نمیتوانند به بیت‌المقدس بروند (در حالیکه تمام یهودیان دنیا نه‌تنها میتوانند به بیت‌المقدس بروند بلکه میتوانند اجازه اقامت در آنجا را هر لحظه که مایل باشند دریافت کنند). Rabbi Arik Ascherman عضو گروه RHR به ما ملحق شد تا باهم درباره اجازه عبور اسماعیل رایزنی کنیم اما در این کار موفق نشدیم. هفته بعد اسماعیل برای یک مجوز دیگر اقدام خواهد کرد که مشابه مجوز قبلی است تا بتواند قبل از اینکه برای چیدن محصولش دیر بشود به سر زمینهایش برود.

پس از خداحافظی با اسماعیل، من و Rabbi Ascherman با ماشین به منطقه مَرَدَه رفتیم، جایی که دیروز بعدازظهر یک



سربازان اسرائیلی در کرانه باختری گشت‌زنی میکنند و به بهانه امنیت از هرگونه مجازاتی مصون میباشند.

کشاورز بوسیله سربازان برده شده بود. Aldo و Chloe، داوطلب بین‌المللی که من با ایشان در کارگاه عدم خشونت در بیت لحم در هفته اول شرکت کرده بودم، به ما خوشامد گفتند. این کارگاه بوسیله موسسه International Solidarity Movement (ISM) اداره میشود. ISM یک سازمان تحت هدایت فلسطینیان است که وظیفه دریافت کمک از داوطلبان بین‌المللی را در جهت حمایت از مقاومت بدون خشونت فلسطینیان در برابر اشغالگری بعهده دارد. در این برنامه آموزشی تمرینات ما درباره تصمیم‌گیری اجماعی سریع در موقعیتهایی اضطراری و همچنین دخالت فیزیکی بدون خشونت ولی مستقیم برای مهار تهاجم بود.

Chloe و Aldo با ISM همکاری دارند و دیروز شاهد ربه شده شدن کشاورز مورد نظر در منطقه مرده بوده اند. آنها گفتند که سه سرباز به گروهشان که مشغول چیدن زیتون بودند نزدیک شدند و یکی از آنها به کشاورزی بنام Amid اشاره کرد که سوار جیب شود. Amid شوکه شده بود و کاری را که سرباز میخواست انجام داد. هنگامی که Aldo و Chloe از سرباز پرسیدند که چکار میکند، سرباز با حالتی طعنه آمیز جواب داد: "من دیوانه ام." Chloe با دفتر ISM تماس گرفت و دوربینش را بیرون آورد ولی با تهدید سرباز آنرا سر جایش گذاشت. سرباز با Amid بمدت ۵ دقیقه با ماشین از آنجا دور شد و بعد با یک بولدوزر برگشت و گفت که شب برمیگردد و با بولدوزر تمام درختان را از ریشه درمیآورد. Tamir که صاحب درختان بود ترسیده بود. Aldo و Chloe موافقت کردند که شب با همسر و فرزندان Amid بمانند تا



داوطلبان اسرائیلی عضو گروه Rabbis for Human Rights به فلسطینیان در برداشت محصول زیتون در سرزمین تهدید شده شان کمک میکنند.

حمایت خود را از آنها نشان دهند و همچنین وقت به وقت به درختان سر بزنند.

یک ساعت بعد، Rabbis Ascherman و ۵۰ داوطلب عضو گروه RHR سر رسیدند و کار چیدن زیتونها را به پایان بردند. Chloe می گفت آنها زمین را فرش کردند و در نیم ساعت کار برداشت محصول به پایان رسید. چشمان Chloe هنگام توصیف کمک ۵۰ فعال اسرائیلی به خانواده های Amid و Tamir برق میزد. او همچنین نقل میکرد که Tamir به سرباز اسرائیلی که با بولدوزر برگشته بود گفت: "به طرز نگاه بچه های من به خودت نگاه کن. ما قرار است مذاکرات صلح انجام دهیم و تصور کن چگونه باید در نگاه آنان جلوه کنی." او خوشحال بود که در آخر چهره مثبتی از اسرائیلیها در ذهن کودکان نقش بست.

بر طبق گفته های Chloe, Amid حدود ۷ ساعت بعد از دستگیری به خانه بازگشت. لباسهایش کثیف، موهایش ژولیده و حالتی وحشت زده داشت. او می گفت که سربازان او را مجبور کردند که پشت ماشین جیب دراز بکشد تا کسی متوجه او نشود. آنها او را به یک ساختمان متروکه می برند، چشمانش را می بندند، بدنش را با لباسهای کهنه می پوشانند تا آثار کبودی نمایان نشود و سپس او را میزنند. Amid، که عبری را بخاطر سالهایی که در اسرائیل کار کرده بود فصیح صحبت میکرد، با عجز و لابه از سربازان میخواهد که به او بگویند چه کار اشتباهی انجام داده است. سرباز ارشد جواب میدهد: "من این کار را بخاطر اینکه تو کار اشتباهی انجام داده ای انجام نمیدهم. من این کار را میکنم چون تو فلسطینی هستی و باید بمیری." سرباز ارشد سپس چشمان Amid را باز میکند و تفنگ را به صورت او نزدیک میکند و به او میگوید که برای مرگ آماده باشد. در آخرین دقیقه، یکی دیگر از سربازان به او یادآوری میکند که احتمالاً یکی از افراد داوطلب بین المللی از آنها عکس گرفته است. سرباز ارشد میترسد و Amid را آزاد میکند.

هنگامی که من Amid را دیدم خیلی خسته به نظر میرسید ولی با این حال خیلی دوستانه رفتار کرد و از من دعوت کرد به خانه شان بروم. Rabbis Ascherman با او صحبت کرد و به او گفت که او حق دارد در مورد این رفتار شکایتنامه تنظیم کند. Chloe شماره ماشین جیب سربازان را یادداشت کرده بود و همین احتمالاً کافی بود تا سربازان شناسایی شوند. اصلاً معلوم نبود که سرباز بخاطر رفتار متهم شود زیرا که طرف مقابل فلسطینی است. بطور کلی سربازان تنها در صورت اعمال خشونت نسبت به یهودیان و تبعه دیگر کشورها توبیخ میشوند.

در طی زمانی که با Rabbis Ascherman بودیم، با هم در مورد فرهنگ اسرائیل و اینکه چگونه در حال تغییر است صحبت کردیم. هنگامی که من سال پیش با تصور فرهنگ خونگرم یهودی که درباره آن شنیده بودم به اسرائیل آمدم، با دیدن اینهمه سرباز، بدگمانی و اسلحه که در همه جا پراکنده بود بیشتر دچار اضطراب شدم تا اینکه احساس امنیت کنم. Rabbis Ascherman به من اطمینان داد که، با اینکه در چند سال گذشته ارزشهای اخلاقی ای که او بخاطر آنها می خواسته در اسرائیل

زندگی کند رو به افول بوده است (او اصالتاً اهل آمریکا است)، ولی او معتقد است که اخیراً یک جنبش برگشت "به خویشتن" و برگشت به "اخلاق پر احساس یهودیت" در حال شکل‌گیری می‌باشد که او آن را دارای پایه‌هایی عمیق در مذهب و فرهنگ یهودیت میدانند.

سربازان سابق اسرائیلی، کسانی که مانند Rabbis Ascherman احساس می‌کنند که خدمت در سرزمین‌هایی اشغالی و حوادثی که این سربازان با آن مواجه هستند ضربه اساسی به اصول اخلاقی‌ای که آنها با آن بزرگ شده‌اند می‌زند" گروهی بنام شکستن سکوت (Breaking the Silence) تشکیل داده‌اند. صدها سرباز سابق و پشیمان اسرائیلی در این گروه جمع شده‌اند تا "حقیقت را درباره‌ی هرآن چیزی که هرروزه در سرزمین‌هایی اشغالی می‌گذرد" بیان کنند. بر اساس تحقیقات و شهادت‌های این سربازان، بدرفتاریها و وحشیگریهای نظامی مانند این نمونه دزدیده شدن کشاورز در منطقه مرده دیگر یک استثنا نیست بلکه بصورت یک هنجار درآمده است.^۶

بر اساس آنچه Amid نقل می‌کرد، اگرچه دو سرباز دیگر که در این ماجرا شرکت داشتند با اعمال مافوق خود مخالف بودند اما ترسوتر از آن بودند که او را متوقف کنند. در طی این مدتی که من در اینجا هستم امید دارم که بتوانم سربازان بیشتری را متقاعد کنم که بجای اطاعت کورکورانه از مافوقان خود، به ندای وجدان خویش گوش دهند-من میدانم که اعضای گروه Breaking the Silence آرزو داشتند که یک‌کاش اینگونه عمل می‌کردند.^۷ من شخصاً، با توجه به اتفاقی که برای Amid افتاد، به این مساله بیشتر ایمان پیدا کردم که حضور افرادی از جامعه بین‌الملل میتواند اثربخش باشد.



فعال اسرائیلی Yehoshua Rosen در همبستگی با Abu Fouad، که کشاورزی از دیر استیا است، در برداشت زیتون کمک میکند.



۵ - Rabbis Ascherman در مستندی کوتاه همکاری فلسطینیان و اسرائیلیان در ساخت دوباره خانه‌های فلسطینیانی که به صورت غیرقانونی در بیت المقدس شرقی تخریب شده‌است را به تصویر میکشد. او در این مستند بر لزوم ساخت "اسرائیلی که علاوه بر قوت فیزیکی از نظر اخلاقی هم قدرتمند باشد" تأکید میکند. www.icahd.org/eng/video.asp?menu=video&submenu=video

۶ - اطلاعات بیشتر درباره‌ی گروه Breaking the Silence را میتوانید در آدرس www.breakingthesilence.org.il پیدا کنید.

۷ - در آدرس زیر میتوانید شهادت یک سرباز در مورد اطاعت بی‌چون‌وچرا از مافوق خود را بخوانید:

www.breakingthesilence.org.il/testimony_en.asp?full=334